

بررسی تأثیرات تصویب قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه

بر حقوق مالی دارندگان سهام عدالت

زینب فلاح تفتی*

کوروش کاویانی**

مجله حقوقی دادگستری / سال هفتاد و هفتم / شماره ۸۴ - زمستان ۱۳۹۲

چکیده:

طرح توزیع سهام عدالت با هدف توانمندسازی مردم کم‌برخوردار و توزیع ثروت در قالب شرکت‌های تعاونی، خیل عظیمی از جمعیت کشور را تحت پوشش خود قرار داده است. سیاست توسعه بخش تعاون از طریق تشکیل شرکت‌های مزبور، زمانی می‌تواند به اهداف عالی تعاون در کشور چون کاهش فقر و تأمین عدالت اجتماعی منجر شود که دارندگان سهام عدالت بتوانند حقوق خویش را به‌صورت کامل استیفا نمایند؛ امری که جز در سایه آشنایی دارندگان سهام با حقوق مالی و همچنین حقوق غیرمالی ایشان محقق نمی‌شود لیکن مسائل و مشکلاتی نیز در راستای استیفاء حقوق مزبور پیش روی دارندگان سهام عدالت وجود دارد.

در این مقاله ضمن تبیین حقوق مالی دارنده سهام عدالت، چون حق انتقال سهام شرکت تعاونی عدالت شهرستانی، حق دریافت سود، حق دریافت حقوق و مطالبات با لغو عضویت و ... به بررسی تأثیرات تصویب قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰) بر حقوق مالی دارنده سهام عدالت و چالش‌هایی که با آن مواجه شدند، پرداخته می‌شود. در نهایت راهکاری متقن جهت حل مسائل و مشکلات دارندگان سهام عدالت ارائه داده می‌شود.

کلید واژه:

سهام عدالت، شرکت تعاونی عدالت شهرستانی، حقوق مالی، قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه.

* دانشجوی دوره دکتری حقوق خصوصی دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول)

zeinab.falah@yahoo.com

** دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی (ره)

k.kaviani@hotmail.com

مقدمه:

پیش از تصویب قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی^۱ در مجلس شورای اسلامی که در تاریخ ۸۷/۳/۲۵ از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام، موافق با مصلحت نظام شناخته شد، طرح توزیع سهام عدالت، فاقد مبنای قانونی بود. مسئله مهم پیرامون فقدان مبنای قانونی در اجرای طرح توزیع سهام عدالت که دغدغه همه صاحب‌نظران و متخصصان بود اینکه سهام شرکت‌های دولتی مطابق تبصره ۲ ماده ۱۳ قانون محاسبات عمومی جزء اموال عمومی محسوب می‌شود و هر گونه دخل و تصرف در آن نیاز به تصویب قانون دارد همچنان که قانون برنامه سوم توسعه و متعاقب آن، قانون برنامه چهارم توسعه، مجوز واگذاری سهام شرکت‌های دولتی و از جمله سهام شرکت‌های مادر تخصصی را به دولت داده است ولی در ماده ۹ قانون برنامه سوم توسعه و ماده ۶ قانون برنامه چهارم توسعه، روش واگذاری را فروش تعیین نموده‌اند. فروش سهام شرکت‌های دولتی نیز مطابق ماده ۱۴ اصلاحی قانون برنامه سوم توسعه که در قانون برنامه چهارم توسعه نیز تنفیذ شده است، منحصراً باید از طریق بورس یا مزایده صورت می‌گرفت. در مواردی که به دلایل مشکلاتی در ساختار مالی، نیروی انسانی، جذب فناوری و سرمایه، امکان فروش از طریق مذکور ممکن نباشد، فروش از طریق مزایده صورت می‌گرفت. از طرف دیگر مطابق ماده ۹ قانون برنامه سوم توسعه، اولویت‌دادن در واگذاری با رعایت کلیه شرایط پیشین فقط برای اיתارگران پیش‌بینی شده بود.

بنابراین اولویت‌دادن به گروه‌های کم‌درآمد در قالب اجرای طرح سهام عدالت نیازمند تصویب قانون بود که اجرای این طرح توسط دولت به جهت فقدان قانون صحیح به نظر نمی‌رسید و حق آن بود که بر مبنای قانون، چنین طرحی صورت می‌گرفت و تصمیم‌گیری در خصوص اموال عمومی با تصمیم نمایندگان مردم در بستر مجلس شورای اسلامی شکل می‌گرفت.

پیش از تصویب قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، ارکان اجرایی طرح توزیع سهام عدالت از سه لایه شرکت کارگزاری سهام عدالت، شرکت‌های

۱. عنوان قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی توسط مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۸۹/۱۲/۱۱ به قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی تغییر یافت.

سرمایه‌گذاری استانی (سهامی خاص) و شرکت‌های تعاونی عدالت شهرستانی تشکیل شده بود.

شرکت کارگزاری سهام عدالت که نقش آن تبدیل انواع سهام واگذار شده به یک سهم واحد و سپس واگذاری سهام شرکت واسط به شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی بود^۱، دارای دو نوع سهام بود: ۱- سهام در اختیار وزارت امور اقتصادی و دارایی، سازمان خصوصی‌سازی و سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران که به‌عنوان سهام ممتاز (طبقه الف) محسوب می‌شد. ۲- سهام عادی (طبقه ب). ترتیباتی در اساسنامه شرکت پیرامون افزایش سرمایه پیش‌بینی شده بود که حق تقدم و کلیه حقوق و منافع ناشی از افزایش سرمایه را از سهام‌داران طبقه (ب) سلب کرده و به سازمان خصوصی‌سازی به‌عنوان نماینده طبقه (الف) اختصاص می‌داد. این امر نشان از جایگاه ویژه دولت در اداره شرکت کارگزاری سهام عدالت داشت؛ شرکتی با اختیارات وسیع در اداره سهام مورد واگذاری که واگذاری به معنای حقیقی را با تردید جدی مواجه می‌نمود.

با تصویب قانون اصل ۴۴ که ترتیبات انحلال شرکت کارگزاری سهام عدالت در آن پیش‌بینی شد، تا حدودی این ایراد مرتفع شد و بدنه اجرایی طرح توزیع سهام عدالت در دو لایه منظور شد: شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی، شرکت‌های تعاونی عدالت شهرستانی.

وجود شرکت‌های تعاونی عدالت شهرستانی در طرح توزیع سهام عدالت موجب شد که سیاست توسعه بخش تعاون، همگام با سیاست خصوصی‌سازی بنگاه‌ها و شرکت‌های دولتی، بستر اجرایی یابد و سامان‌دهی به وضعیت معیشتی اقشار آسیب‌پذیر و کم‌برخوردار در سایه تعاون ممکن شود. هرچند کشورهای مختلف برای خصوصی‌سازی بنگاه‌ها و شرکت‌های دولتی روش‌های مختلفی را به کار می‌برند، از میان تمام روش‌های خصوصی‌سازی تجربه‌شده در جهان، خصوصی‌سازی کوپنی^۲ به لحاظ ساختاری به طرح توزیع سهام عدالت شبیه‌تر است.

۱. شرکت واسط: شرکت کارگزاری سهام عدالت که نقش آن تبدیل سید انواع سهام واگذار شده به یک سهم واحد و سپس واگذاری سهام شرکت واسط به شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی و انجام دیگر کارهای اجرایی مرتبط با واگذاری سهام عدالت است (بند ۸ ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی افزایش ثروت خانوارهای ایرانی از طریق گسترش سهم بخش تعاون بر اساس توزیع سهام عدالت مصوب ۸۵/۸/۲۸ هیئت وزیران).

۲. Vouchers Privatization

به منظور تضمین حقوق دارندگان سهام عدالت، توجه به دو مؤلفه اساسی ضروری به نظر می‌رسد: اول، بررسی علل شکست و موفقیت اجرای برنامه خصوصی‌سازی کوپنی در کشورهای مختلف و پیش‌بینی راهکارهایی متناسب با طرح توزیع سهام عدالت. دوم، آشنانمودن دارندگان سهام عدالت با حقوق ایشان؛ بدین سبب که اکثر دارندگان سهام عدالت با شیوه‌های سهام‌داری و بهره‌برداری حداکثری از منافع آن آشنا نیستند. در صورتی که با حقوق خویش آشنا شوند، امکان استیفای آن و همچنین تضمین قانونمندی بودن مجریان طرح فراهم می‌شود و دارندگان سهام عدالت با مشاهده کوچک‌ترین تخلف مجریان از ابزار نظارتی خود برای احقاق حقوق خویش استفاده می‌نمایند.

در توضیح مؤلفه اول به صورت مختصر باید گفت که خصوصی‌سازی کوپنی با توزیع کوپن سهام میان عامه مردم در کشورهای مختلف اجرا شد بدین صورت که برای تبدیل کوپن‌ها به سهام شرکت‌های دولتی از دو روش مستقیم و غیرمستقیم استفاده می‌شد. در برخی کشورها چون گرجستان، کوپن سهام، مستقیماً قابل تبدیل به سهام بنگاه‌های دولتی بود.^۱ در کشورهایی چون لهستان نیز افراد مجاز به خرید مستقیم سهام بنگاه‌ها نبودند و می‌بایست با کوپن‌های سهام، واحدهای سرمایه‌گذاری نهادهای مالی را می‌خریدند.^۲ دسته سوم، کشورهایی بودند که افراد می‌توانستند مستقیماً با کوپن سهام خود، سهام بنگاه‌های دولتی را خریداری کنند یا اینکه با آن واحد سرمایه‌گذاری در نهادهای مالی را دریافت نمایند.^۳ به عبارت دیگر اشخاص در کشورهای دسته سوم، دو راه پیش رو داشتند و کوپن سهام ایشان، هم به روش مستقیم و هم غیرمستقیم قابل تبدیل به سهام بنگاه‌های دولتی بود.

یکی از مهم‌ترین دغدغه‌ها درباره خصوصی‌سازی کوپنی، توزیع سهام شرکت‌ها بین عامه مردم بود. این موضوع باعث ایجاد نوعی نارسایی در کنترل و اداره شرکت‌ها می‌شد

^۱. کابلی‌زاده، احمد، خصوصی‌سازی مردمی، کارایی همراه با عدالت، نشر مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۴، ص. ۱۴۳.

^۲. Wolfgang Aussenegg, Going Public in Poland: Case- by -Case Privatizations, Mass Privatization and Private Sector Initial Public Offerings, Vienna University of Technology Final First Draft: December ۱۹۹۹, p. ۹.

^۳. David Ellerman, Voucher Privatization with Investment Funds: An Institutional Analysis, World Bank, May ۱۹۲۴, p. ۱۱.

و موجب جلوگیری از اعمال تغییرات مقتضی در مدیریت شرکت‌ها و بهبود فرآیند و چرخه تولید می‌شد و بروز آن در طرح توزیع سهام عدالت نیز بعید به نظر نمی‌رسد. در کشورهایی که خصوصی‌سازی کوپنی را از طریق صندوق‌های سرمایه‌گذاری اجرا کردند وجود نظام نظارتی مناسب از عوامل اساسی موفقیت برنامه محسوب می‌شود به‌گونه‌ای که در برخی موارد فقدان چارچوب نظارتی مناسب سبب سوءاستفاده مدیران و اتلاف اموال مردم شده است.

خصوصی‌سازی کوپنی با همه شباهت‌هایی که با طرح توزیع سهام عدالت دارد، تفاوت‌های بارزی نیز با آن دارد^۱ به‌صورتی که هدف اصلی از خصوصی‌سازی کوپنی در کشورهای مختلف، افزایش کارایی شرکت‌ها مانند دیگر روش‌های خصوصی‌سازی بیان می‌شود اما هدف اساسی از طرح توزیع سهام عدالت، گسترش مالکیت عمومی به‌منظور تأمین عدالت اجتماعی عنوان شده است و شاکله طرح به‌گونه‌ای پیش‌بینی شده است که تحقق آن را در قالب شرکت‌های تعاونی ممکن سازد.

اما پیرامون مؤلفه دوم یعنی آشنانمودن دارندگان سهام عدالت با حقوق خویش و ایجاد فرهنگ سهام‌داری، باید حقوق دارندگان سهام عدالت را که از دهک‌های پایین درآمدی و اقشار آسیب‌پذیر کشور به شمار می‌آیند، بررسی کرد. حقوق دارندگان سهام عدالت اعم است از حقوق مالی و حقوق غیرمالی که در این مقاله صرفاً حقوق مالی دارندگان سهام عدالت، همچنین تأثیرات قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه بر آن را بررسی می‌شود.

۱. حقوق مالی دارندگان سهام عدالت

بررسی حقوق مالی دارندگان سهام عدالت، مستلزم آشنایی با کلیت طرح توزیع سهام عدالت و شرکت‌های پیش‌بینی‌شده در آن است بدین توضیح که پس از شناسایی مضمولان مرحله اول طرح توزیع سهام عدالت، ۳۳۷ شرکت تعاونی عدالت شهرستانی با حداقل سرمایه اسمی لازم توسط چند نفر از مضمولان به‌عنوان هیئت مؤسس تأسیس شد. شرکت تعاونی عدالت شهرستانی در چارچوب نمونه اساسنامه‌ای که توسط وزارت تعاون پیش‌بینی شده بود ایجاد شد. مضمولان هر مرحله نیز به تدریج و پس از تعیین و احصای کامل اسامی کلیه مضمولان هر مرحله به تفکیک تعاونی‌های هر شهرستان، برای عضویت در شرکت تعاونی عدالت شهرستانی دعوت شدند. از طرف

^۱ . فلاح‌تفتی، زینب، اداره سهام عدالت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۹، ص.

دیگر هیئت مؤسس شرکتهای سرمایه‌گذاری استانی نیز مرکب از شرکتهای تعاونی عدالت شهرستانی هر استان تعیین و شرکت سرمایه‌گذاری استانی را با حداقل سرمایه اسمی تأسیس نمودند و نمونه اساسنامه شرکتهای سرمایه‌گذاری استانی توسط ستاد مرکزی توزیع سهام عدالت^۱ تصویب شد.

شرکت تعاونی عدالت شهرستانی مطابق بند ۱۰ ماده ۱ قانون اصل ۴۴، شرکت تعاونی فراگیر ملی است که در قالب شرکت تعاونی یا شرکت تعاونی سهامی عام^۲ می‌تواند فعالیت نماید. شرکت سرمایه‌گذاری استانی نیز به‌صورت شرکت سهامی خاص تأسیس شد لیکن برای ورود شرکتهای مزبور به بورس باید به شرکتهای سهامی عام تبدیل شوند.

از طرف دیگر، سهام بنگاه‌های مشمول واگذاری که مصوبه هیئت واگذاری را مطابق بند ۲ قسمت (ب) ماده ۴۰ قانون اصل ۴۴ را دریافت نموده‌اند، ارزیابی و قیمت‌گذاری می‌شوند.

بر اساس ماده ۵ آیین‌نامه اجرایی توزیع سهام عدالت مصوب ۱۳۸۷/۱۱/۲۷ شورای عالی اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل‌وچهارم قانون اساسی، شرکتهای مورد واگذاری فقط از شرکتهای پذیرفته‌شده در بورس تعیین می‌شود لیکن ۲۷ شرکت از شرکتهای واگذارشده، غیربورسی هستند چراکه این شرکتهای قبل از تصویب آیین‌نامه اجرایی توزیع سهام عدالت مصوب ۱۳۸۷/۱۱/۲۷ واگذار شده‌اند.^۳ قیمت سهام شرکتهای غیر بورسی مثل پالایشگاه تهران، بندرعباس، لاوان و ... قابل محاسبه دقیق نبوده و قیمت آنها به‌صورت علی‌الحساب تعیین می‌شود و پس از ورود این شرکتهای در بورس، قیمت علی‌الحساب به قیمت سهام مزبور در تابلو، برای سهام عدالت منظور می‌شود. تمام شرکتهایی که در فهرست واگذاری قرار دارند، در حال طی مراحل ورود به بورس هستند. بنابراین نگرانی از کشف قیمت واقعی آنها نخواهد بود.

۱. ماده ۳۴ قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی.

۲. شرکت تعاونی سهامی عام: نوعی شرکت سهامی عام است که با رعایت قانون تجارت و محدودیت‌های مذکور در این قانون تشکیل شده باشد. (بند ۹ ماده ۱ قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی).

۳. عطایی، امید، «بررسی مبانی قانونی واگذاری سهام عدالت»، گزارش دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۸، ص. ۱۵.

سهام شرکت‌های مزبور به‌عنوان موضوع قرارداد فی‌مابین سازمان خصوصی‌سازی - به‌عنوان نماینده دولت - از یک طرف و شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی قرار می‌گیرد. مطابق ماده ۳۶ قانون اصل ۴۴، سهم هر یک از شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی متناسب با تعداد اعضای تعاونی‌های عدالت شهرستانی هر استان تعیین می‌شود. به‌عنوان مثال اگر استانی مثل اصفهان، یک میلیون مشمول سهام عدالت داشته باشد - با توجه به تعداد تقریبی چهل‌ودو میلیون نفری مشمولین در سراسر کشور - یک چهل‌ودوم سهم هریک از شرکت‌های مشمول واگذاری در طرح توزیع سهام عدالت به شرکت سرمایه‌گذاری استان اصفهان منتقل می‌شود.

پس از چنین فرآیندی، مجمع عمومی صاحبان سهام شرکت سرمایه‌گذاری استانی، میزان سهام خریداری‌شده را به‌صورت افزایش سرمایه ثبت می‌کند.

شرکت‌های سرمایه‌گذاری هر استان نیز سهام انتقال‌یافته به خود را در سبد سهام^۱ یا اصطلاحاً پرتفوی سهام خود جای می‌دهند. مجمع عمومی صاحبان سهام شرکت تعاونی عدالت شهرستانی، میزان سهام خود در شرکت سرمایه‌گذاری استانی را به‌صورت افزایش سرمایه ثبت می‌کند، مردم نیز سهام‌دار شرکت تعاونی عدالت شهرستان هستند. سهام مورد واگذاری بابت مشمولان دو دهک پایین درآمدی با احتساب ۵۰ درصد تخفیف در بهای واگذاری و به‌صورت اقساط ده‌ساله واگذار می‌شود لیکن مشمولین دهک‌های سوم تا ششم صرفاً از مزایای تقسیط حداکثر ده‌ساله واگذاری سهام برخوردار می‌شوند و طول دوره تقسیط آنان در هیئت واگذاری تعیین می‌شود.

سازمان خصوصی‌سازی موظف است در قراردادهای منعقد شده تصریح نماید که ثمن معامله از محل سود سالانه شرکت‌های واگذار شده تسویه می‌شود و متناسب با سود دریافتی یا تخفیفات اعطایی و بلافاصله پس از آن نسبت به تسویه و آزادسازی آن بخش از سهام که بهای آن توسط سازمان خصوصی‌سازی وصول یا مشمول تخفیف می‌شود، اقدام می‌نماید.

سازمان خصوصی‌سازی مسئولیت وصول اقساط سهام واگذار شده و واریز آن به حساب خزانه را بر عهده دارد و چنانچه میزان سود دریافتی در هر سال تکافوی میزان اقساط دریافتی همان سال را ننماید، بدهی خریداران از سود دریافتی سنوات بعد قابل تسویه خواهد بود. در صورتی که در پایان دوره تقسیط، بهای سهام مورد واگذاری به‌طور کامل

۱. سبد: مجموعه دارایی‌های مالی است که از محل وجوه سرمایه‌گذاران خریداری می‌شود (بند ۲۳ ماده ۱ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴/۴/۱).

تسویه نشده باشد، خریداران مکلفاند حداکثر ظرف مدت شش ماه رأساً نسبت به پرداخت بدهی و تسویه حساب سهام مورد خریداری اقدام کنند. در غیراین صورت سازمان خصوصی سازی به میزان مبلغ بدهی تسویه شده، سهام مورد وثیقه را آزاد می نماید و نسبت به وصول مطالبات خود از محل فروش سهام باقی مانده، اقدام می نماید.

در هیچ یک از مصوبات موجود - به جز قرارداد واگذاری - ذکری از میزان سهام قابل واگذاری به هر شخص مشمول نیامده است که این موضوع ابهام ایجاد نموده و ممکن است در قراردادهای واگذاری به مشمولین اعلام شده در مراحل مختلف اجرای طرح توزیع سهام عدالت، سهام مورد واگذاری به میزان متفاوت اختصاص یابد. به نظر می رسد عدم اعلام میزان سهام قابل واگذاری به دلیل شناسایی تدریجی شرکت های مورد واگذاری و قیمت گذاری آنان بر اساس مصوبات هیئت واگذاری مطابق ماده ۲ آیین نامه اجرایی توزیع سهام عدالت باشد. بدین توضیح که واگذاری می بایست حداکثر تا سقف چهل ۴۰ درصد از مجموع ارزش سهام بنگاه های قابل واگذاری در هر بازار موضوع گروه ۲ ماده ۲ قانون اجرای سیاست های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی صورت پذیرد. بنابراین سقف واگذاری سهام بنگاه های قابل واگذاری توسط آیین نامه اجرایی توزیع سهام عدالت تعیین شده لیکن تعیین دقیق میزان سهام مورد واگذاری با رعایت سقف مورد اشاره بر عهده هیئت واگذاری است که به تدریج صورت می پذیرد. دلیل مزبور قطعی نبوده و برداشت نویسنده مقاله از کلیت طرح و مقررات موجود است. حال پس از آشنایی با کلیت طرح توزیع سهام عدالت می توان به بررسی هر یک از حقوق دارندگان این نوع سهام پرداخت.

۱- ۱. حق انتقال سهام شرکت های تعاونی عدالت شهرستانی

در خصوص جواز انتقال سهام شرکت تعاونی عدالت شهرستانی ماده ۱۰ نمونه اساسنامه شرکت های مزبور شرایطی را مقرر نموده که متن ماده بدین شرح است: «سهام تعاونی بانام و غیر قابل تقسیم است و انتقال آن به اعضای خود تعاونی با موافقت هیئت مدیره و با رعایت سقف موضوع ماده ۹ که در اداره تعاونی اختلافی ایجاد نکند، مجاز است». بدین ترتیب رعایت سه مؤلفه به موجب اساسنامه شرکت تعاونی عدالت شهرستانی برای نقل و انتقال سهام ضروری است:

- نقل و انتقال سهام میان اعضای شرکت تعاونی عدالت شهرستانی صورت پذیرد:
هرچند ماده ۲۲ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران، نقل و انتقال سهام

را به غیر اعضای شرکت مقدر دانسته و داشتن شرایط عضویت در شرکت تعاونی را برای جواز انتقال سهام به منتقل‌الیه شرط دانسته و مقرر می‌دارد: «عضو یا اعضای تعاونی می‌توانند با رعایت مقررات این قانون، سهم خود را به سایر اعضا و یا افراد جدید واجد شرایط واگذار نمایند». لیکن تشخیص داشتن شرایط عضویت شخص با هیئت‌مدیره شرکت تعاونی است و قبل از انتقال سهام باید درخواست عضویت وی مورد قبول قرار گرفته باشد. مسئله‌ای که مطرح می‌شود آن است که آیا هیئت‌مدیره می‌تواند شرایطی بیش از شرایط مقرر در اساسنامه و قانون برای قبول درخواست عضویت فرد در نظر بگیرد؟ به نظر می‌رسد در فرضی که امکانات شرکت برای ورود عضو جدید کافی نباشد هیئت‌مدیره بتواند با وجود احراز سایر شرایط عضویت، درخواست فرد را قبول ننماید.

نکته مهم آن است که تصمیم هیئت‌مدیره پیرامون رد درخواست عضویت قطعی و غیرقابل‌اعتراض است^۱ لیکن در شرکت تعاونی عدالت شهرستانی، افراد مشمول طرح سهام عدالت از سوی ارکان اجرایی طرح شناسایی و معرفی شده‌اند بنابراین «افراد جدید واجد شرایط» مصدافی ندارند و هیئت‌مدیره شرکت تعاونی عدالت شهرستانی نمی‌تواند درخواست عضویت متقاضی را با ادعای آنکه به تشخیص من، حائز شرایط عضویت در شرکت است، قبول نماید بلکه متقاضی باید از مشمولان طرح باشد.

ترتیب مذکور قابل انتقاد به نظر می‌رسد چراکه انتقال سهام میان اعضای شرکت تعاونی عدالت شهرستانی موجب می‌شود که عضو با این محدودیت مواجه باشد که عضو دیگری را که تمایل به خرید سهام وی دارد، بیابد و در صورت عدم موفقیت، تنها راه برای وی، خروج اختیاری از شرکت است که در این حالت ارزش سهام که توسط شرکت باید پرداخت شود در زمانی طولانی‌تر به عضو تأدیه می‌شود در صورتی که با فروش سهام، عضو می‌توانست به سهولت حقوق خود را استیفا نماید. از طرفی این مسئله را می‌توان چنین توجیه نمود که این ضوابط به منظور رعایت شرایط اختصاصی مقرر در قانون و نمونه اساسنامه جهت عضویت در این شرکت‌ها است؛ امری که مقنن برای اجتناب از فروش سهام به غیر مشمولین طرح و دهک‌های بالای درآمدی به عمد مقرر نموده است.

این محدودیت ممکن است منجر به بروز معاملات وکالتی شود بدین توضیح که عضو با اعطای وکالت به دیگری و نیابت در تحصیل کلیه حقوق به واقع قصد انتقال سهام را

۱. حسنی، حسن، حقوق تعاونی‌ها، سمت، ۱۳۸۱، ص. ۸۵.

نموده باشد لیکن برای گریز از ممنوعیت قانونی از پوشش وکالت استفاده نماید؛ امری که وقوع آن به سبب وضعیت نامناسب معیشتی مشمولین طرح سهام عدالت، بعید نیست و شرکت نیز گریزی از تأدیه سود و سایر منافع به این وکیل - که در واقع منتقل‌الیه است - ندارد. به‌رحال ماهیت این پوشش نیز مقتضای خاص خود را دارد و موکل می‌تواند وکیل را عزل نموده یا در صورت فوت، حجر و جنون طرفین، وکالت منفسخ می‌شود.

- *نقل و انتقال سهام با موافقت هیئت‌مدیره شرکت باشد:* بر اساس بند ۵ ماده ۳۷ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران، اخذ تصمیم نسبت به انتقال سهام اعضا به یکدیگر از جمله وظایف هیئت‌مدیره شرکت تعاونی است. بنابراین نقل و انتقال سهام صرفاً میان اعضای شرکت تعاونی عدالت شهرستانی و پس از موافقت هیئت‌مدیره ممکن است.

باوجود محدودیت نقل و انتقال سهام میان اعضای شرکت تعاونی عدالت شهرستانی، وضع محدودیت دیگر و منوط‌نمودن انتقال سهام به موافقت هیئت‌مدیره سبب می‌شود که اعضا به هنگام مخالفت شرکت، مجبور به خروج از شرکت شوند که تحصیل حقوق در خروج عضو از شرکت، سخت‌تر از انتقال سهام و دریافت ثمن معامله است. از طرف دیگر، اختیار هیئت‌مدیره در مخالفت یا موافقت با انتقال سهام ممکن است موجب سوءاستفاده ایشان و اعمال نظرات سلیقه‌ای شود. لذا مناسب است که قانونگذار شرایطی را پیش‌بینی نماید که منحصرأ در آن شرایط، هیئت‌مدیره مجاز به مخالفت با انتقال سهام باشد.

- *در نقل و انتقال سهام باید سقف مقرر در ماده ۹ نمونه اساسنامه شرکت تعاونی عدالت شهرستانی رعایت شود:* به‌موجب ماده مذکور، سهم اعضا در تأمین سرمایه تعاونی برابر است اما با تصویب مجمع عمومی عادی، حداکثر هر عضو می‌تواند تا یک‌صدم درصد سهم داشته باشد. تغییر سقف مذکور در چارچوب آیین‌نامه ماده ۲۰ قانون بخش تعاونی و با تأیید ستاد مرکزی موضوع آیین‌نامه اجرایی سهام عدالت امکان‌پذیر است که شرح آیین‌نامه مذکور، خارج از موضوع مورد بحث است.

هیئت‌مدیره شرکت به هنگام تصمیم‌گیری برای نقل و انتقال سهام، رعایت حد نصاب مقرر برای تملک سهام را نیز بررسی می‌کند و در صورت عدم رعایت، با انتقال سهام به میزان بیشتر از حد نصاب مقرر مخالفت می‌نماید.

علاوه‌بر شرایط فوق، تبصره ۲ ماده ۱۱ نمونه اساسنامه شرکت تعاونی عدالت شهرستانی، تشریفات دیگری را نیز پیش‌بینی نموده است بدین مضمون که نقل و

انتقال سهم بین اعضا باید در دفتر سهام تعاونی ثبت شود و در خصوص ضمانت اجرای عدم ثبت نقل و انتقال در دفتر سهام تعاونی عدالت شهرستانی فقدان اعتبار معامله از نظر شرکت را مقرر نموده است. بدین ترتیب شرکت همچنان انتقال‌دهنده را مالک می‌شناسد و وی متعهد در برابر شرکت بوده و از منافع و عوائد سهام بهره‌مند می‌شود. لیکن عدم ثبت نقل و انتقال در دفتر سهام تعاونی، خللی به صحت معامله وارد نمی‌کند و عدم رعایت تشریفات مذکور، انتقال‌گیرنده را از اعمال حقوق وابسته به سهام محروم می‌کند. حق حضور در مجامع عمومی، حق رأی، حق دریافت سود، حق اطلاع و ... از جمله حقوقی است که استیفای آن از سوی انتقال‌گیرنده منوط به انعکاس نقل و انتقال سهام در دفتر سهام تعاونی است.

شایان ذکر است آرای دادگاه‌ها در خصوص انتقال سهام بانام در شرکت‌های سهامی عام به جهت شبیه‌بودن ثبت انتقال سهام در دفتر ثبت سهام با انتقال سهام در شرکت‌های تعاونی عدالت شهرستانی مورد بررسی قرار گرفت و نتیجه آنکه از رویه واحدی پیروی نمی‌کردند و در اینکه عدم ثبت انتقال سهام بانام شرکت سهامی در دفتر ثبت سهام، مطلقاً موجب بی‌اعتباری معامله است یا اینکه چنین قراردادی در هر صورت بین طرفین صحیح است، در رویه قضایی اختلاف وجود داشت. برخی از محاکم دادگستری و شعب دیوان عالی کشور، قرارداد واگذاری سهام بانامی را که تشریفات مندرج در ماده ۴۰ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ در آن رعایت نشده است، به‌طور کلی باطل محسوب و در مقابل، برخی دیگر چنین معامله‌ای را از نظر شرکت و اشخاص ثالث بی‌اعتبار تلقی و بین طرفین صحیح قلمداد نموده‌اند.^۱ به نظر می‌رسد برای جمع میان اصل رضایی‌بودن عقود و امنیت شرکت از حیث شناسایی آسان دارندگان سهام، بهترین روش، وضع و قبول تشریفات باشد که عدم رعایت آن مانع از وقوع عقد نشود بلکه تنها قابلیت استناد آن در برابر شرکت را از بین ببرد. بر این اساس طرفین مختارند که به هر شکل اراده خویش مبنی بر نقل و انتقال سهام را اعلان نمایند اما شرکت، شخصی را به‌عنوان شریک می‌شناسد که حقوق خویش را در شرکت به‌صورت مقرر در قانون ثابت نماید.^۲

^۱ . شفیع‌ی، اکرم السادات، شرایط و آثار نقل و انتقال سهام در شرکت‌های سهامی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۶، ص. ۶۸.

^۲ . کاویانی، کورش، حقوق شرکت‌های تجاری، میزان، ۱۳۸۶، ص. ۲۵۲.

پیرامون ضمانت اجرای سایر شرایط مقرر برای نقل و انتقال سهام که توضیح آن داده شد، می‌توان با وحدت ملاک از ضمانت اجرای عدم رعایت تشریفات ثبت به فقدان اعتبار معامله از نظر شرکت قائل بود.

۱-۲. حق دریافت سود

هدف اصلی از اجرای طرح توزیع سهام عدالت، ایجاد یک درآمد دائمی برای اقشار کم‌درآمد و کاهش فقر از طریق توسعه تعاون عنوان شده است به‌گونه‌ای که همواره مسئولان اجرایی به عدم فروش سهام عدالت توسط مشمولان و بهره‌مندی از سود آن تأکید داشته‌اند.

لیکن کل سود شرکت تعاونی عدالت شهرستانی قابل توزیع نیست. بخشی از سود بابت اندوخته قانونی^۱ کنار گذاشته می‌شود و فقط سود قابل تقسیم توزیع می‌شود. ذخیره‌نمودن اندوخته قانونی با حکم مقنن، قاعده‌ای آمره بوده و چنانچه تصمیمی خلاف آن اخذ شود، تصمیم باطل و مراجع تصمیم‌گیرنده مسئول جبران خسارات وارده به شرکت و سایر اشخاص هستند.

در خصوص شرکت تعاونی همچون سایر شرکت‌های مشمول قانون تجارت به‌جز شرکت سهامی، تعریفی از سود قابل تقسیم وجود ندارد لیکن تعریف ارائه‌شده توسط مقنن در ماده ۲۳۹ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت را می‌توان برای تمامی شرکت‌ها استفاده نمود چرا که تفاوت در قالب شرکت‌ها تأثیری در مفاهیم مالی و حسابداری مربوط ایجاد نمی‌نماید. متن ماده ۲۳۹ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت بدین شرح است: «سود قابل تقسیم عبارت است از سود خالص سال مالی شرکت، منهای زیان‌های سال‌های مالی قبل و اندوخته قانونی مذکور در ماده ۲۳۸ و سایر اندوخته‌های اختیاری به‌علاوه سود قابل تقسیم سال‌های قبل که تقسیم نشده است».

نکته‌ای که ذکر آن خالی از فایده نیست، درباره چپستگی سود شرکت تعاونی عدالت شهرستانی است. همان‌طور که پیش‌تر توضیح داده شد، سرمایه شرکت تعاونی عدالت شهرستانی از سهام شرکت سرمایه‌گذاری استانی شکل گرفته و سرمایه شرکت سرمایه‌گذاری استانی نیز سبیدی از سهام شرکت‌های واگذارشده در قالب طرح توزیع

^۱ اندوخته قانونی: پس‌اندازی است که مبلغی معادل حداقل پنج درصد سود خالص شرکت در هر سال مالی با تصویب مجمع عمومی عادی در آن ذخیره می‌شود تا در مواقع اضطراری و احتیاج از آن استفاده شود (بند ۱ ماده ۲۵ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران).

سهام عدالت است بنابراین سودی که هریک از شرکت‌های مورد واگذاری در یک سال مالی برای سهام‌داران خود تعیین می‌کنند به سبد هریک از شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی وارد می‌شود و از آنجا که شرکت‌های تعاونی عدالت شهرستانی نیز سهام‌دار شرکت سرمایه‌گذاری استانی هستند، سود شرکت سرمایه‌گذاری استانی نیز پس از تعیین در سال مالی بین هریک از شرکت‌های تعاونی عدالت شهرستانی سهام‌دار آن، توزیع می‌شود و در نهایت شرکت تعاونی عدالت شهرستانی در پایان سال مالی خود، سودی را که عایدش شده است به ترتیب مقرر در اساسنامه‌اش و مطابق با مقررات قانونی میان دارندگان سهام عدالت توزیع می‌نماید. سود مزبور همگن است بدین معنا که سهم هریک از شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی از شرکت‌های مورد واگذاری متناسب با تعداد اعضای تعاونی عدالت شهرستانی آن استان تعیین شده بود؛ پس سود توزیعی بین اعضا در شرکت‌های تعاونی عدالت شهرستان‌های مختلف یکسان خواهد بود. در نتیجه مشمولان استان‌ها با یکدیگر و گروه‌های مختلفی که در شمول طرح قرار می‌گیرند هیچ تفاوتی ندارند. البته این امر تا زمانی است که شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی به نقل و انتقال سهام موجود در سبد خود نپرداخته‌اند چرا که با نقل و انتقال سهام، ترکیب سبد و پرتفوی آن‌ها تغییر می‌کند. بنابراین شرکت‌های سرمایه‌گذاری استان‌های مختلف بر اساس تصمیمی که در خصوص خرید یا فروش اوراق بهادار مختلف در بازار سرمایه بگیرند، سود متفاوتی را نیز خواهند برد که این امر نیاز به مدیریت تخصصی و آشنایی کامل با نوسانات بازار سرمایه و چگونگی نقل و انتقال سهام دارد.

سود سالانه هریک از شرکت‌های عرضه‌شده در سبد سهام عدالت متفاوت است. بنابراین سود کل در پایان هر سال مالی محاسبه و پنج درصد آن بابت اقساط سهام عدالت، کسر و بقیه برای توزیع بین سهام‌داران به شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی پرداخت می‌شود.

نحوه پرداخت سود قابل تقسیم در بند ۵ ماده ۵۸ نمونه اساسنامه شرکت تعاونی عدالت شهرستانی به نسبت سهام اعضای شرکت پیش‌بینی شده است لیکن در خصوص مدت پرداخت سود به دارندگان سهام عدالت پس از تصمیم مجمع عمومی راجع به تقسیم

سود، قانون ساکت است. به نظر می‌رسد که همچون شرکت‌های سهامی باید مقنن حداکثر مهلت پرداخت را تعیین می‌نمود.^۱

نکته قابل تأمل پیرامون شرط حذف کامل سود علیه برخی از دارندگان سهام عدالت این است که شرطی غیرمعتبر و ممنوع است چراکه چنین برداشت می‌شود که اعضای شرکت قصد انعقاد قرارداد شرکت نداشته‌اند.^۲

هریک از دارندگان سهام عدالت می‌تواند علیه شرکت تعاونی عدالت شهرستانی به خواسته الزام شرکت به محاسبه سود، تعیین سود قابل تقسیم و پرداخت آن اقامه دعوا نماید. هرچند قانون اصل ۴۴، تصریحی به این حق ندارد از عمومات قواعد آیین دادرسی مدنی می‌توان جواز اقامه دعوا علیه شرکت را استنباط نمود.^۳

در واقع از تاریخ تصمیم‌گیری مجمع عمومی در مورد اختصاص سود به اعضا، دارندگان سهام بابت سود اختصاص یافته به خود، طلبکار شرکت تلقی می‌شوند و در صورت ورشکستگی شرکت نیز در ردیف دیگر طلبکاران شرکت، در غرما قرار می‌گیرند.

شرکت نمی‌تواند در غیر موارد مذکور، تقسیم سود نماید زیرا هر سودی که بدون رعایت مقررات قانونی تقسیم شود، منافع موهوم^۴ تلقی می‌شود و مدیران شرکت، با اعلام وزارت تعاون به دادگاه صالح مبنی بر تخلف در اداره شرکت و احراز آن توسط دادگاه از مدیریت معلق می‌گردند.^۵

هریک از اعضای شرکت تعاونی عدالت شهرستانی نیز می‌توانند با مشاهده تخلف در اداره شرکت که از مصادیق آن، تقسیم نادرست سود است شکایت خود را به بازرسان شرکت اعلام نماید و در صورت عدم اخذ نتیجه و باقی‌بودن بر شکایت با وزارت تعاون مکاتبه کند. هیئت‌مدیره شرکت مکلف به اجرای نظر وزارت تعاون می‌باشند که به صورت کتبی و رسمی ابلاغ می‌شود.^۶

۱. در ماده ۲۴۰ لایحه اصلاح قانون تجارت درباره تعیین مهلت پرداخت سود به صاحبان سهام مقرر می‌دارد: ... در هر حال پرداخت سود به صاحبان سهام باید ظرف هشت ماه پس از تصمیم مجمع عمومی راجع به تقسیم سود انجام پذیرد.

۲. صقری، منصور، تعریف شرکت تجاری، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۱، ص. ۱۹۷.

۳. کاویانی، پیشین، ص. ۲۴۲.

۴. منافع موهوم: منفعی که شرکت بازرگانی بدون رعایت قانون برخلاف واقع نشان دهد، در منافع واقعی نامیده می‌شود. (جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ پنجم، گنج دانش، ۱۳۷۰).

۵. بند ۱۷ ماده ۶۶ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران.

۶. ماده ۵۴ نمونه اساسنامه شرکت تعاونی عدالت شهرستانی.

۳-۱. حق دارندگان سهام عدالت نسبت به سرمایه شرکت تعاونی عدالت

شهرستانی

در این قسمت حق دارنده سهام عدالت نسبت به سرمایه شرکت تعاونی عدالت شهرستانی در سه بخش حق تقدم در خرید سهام جدید، حق دریافت حقوق و مطالبات با لغو عضویت و همچنین حق تملک سرمایه شرکت پس از انحلال آن را بررسی می‌شود.

۴-۱. حق تقدم در خرید سهام جدید

مستنبط از ماده ۳۵ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران که تصمیم‌گیری در خصوص تغییر مواد اساسنامه را در صلاحیت مجمع عمومی فوق‌العاده قرار داده است، به تجویز افزایش سرمایه توسط مقنن پی می‌بریم. برای افزایش سرمایه روش‌های متعددی وجود دارد که یکی از آن موارد، افزایش سرمایه از طریق صدور سهام جدید است.

هرچند که قانون اصل ۴۴، درباره حق تقدم دارای حکمی نیست مناسب به نظر می‌رسد که مفاد تصمیم شرکت، جبران‌کننده سکوت قانون باشد. در نمونه اساسنامه شرکت تعاونی عدالت شهرستانی نیز به جواز این روش اشاره‌ای نشده است لیکن با توجه به فقدان دلیلی برای ممانعت، مجمع عمومی فوق‌العاده می‌تواند به هنگام تصمیم‌گیری برای افزایش سرمایه شرکت، روش صدور سهام جدید را انتخاب نموده و دارندگان سهام عدالت را در خرید سهام جدید دارای حق تقدم اعلام نماید.

ماده ۱۶۲ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت، اختیار مجمع عمومی فوق‌العاده را قابل تفویض به هیئت‌مدیره می‌داند. بدیهی است که در شرکت تعاونی عدالت شهرستانی نیز مانعی برای این امر وجود ندارد بالاخص آنکه اساسنامه شرکت تعاونی عدالت شهرستانی نیز تفویض اختیار را منع ننموده است.

اعمال حق تقدم مستلزم اطلاع دارندگان سهام عدالت از تصمیم مذکور است و از آنجاکه ممکن است برخی از اعضای شرکت تعاونی عدالت شهرستانی در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده حضور نداشته باشند، باید تصمیم مذکور به طرقی که در قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران و همچنین در نمونه اساسنامه شرکت تعاونی عدالت شهرستانی تعیین شده است به اطلاع اعضای شرکت برسد. هرچند که قانون و مقررات مربوطه پیرامون اطلاع‌رسانی این موضوع - حق تقدم - تصریحی ندارد لیکن مجوز پنهان‌کاری نیست.

۵- ۱. حق دریافت حقوق و مطالبات عضو با لغو عضویت

لغو عضویت در شرکت تعاونی به هنگام فوت (برای اشخاص حقیقی)، استعفا، انحلال (برای اشخاص حقوقی) و اخراج عضو متصور است. در این موارد باید سهم و کلیه حقوق و مطالبات عضو برابر مقررات اساسنامه و قرارداد منعقد شده محاسبه و به دیون تعاونی تبدیل شود و پس از کسر بدهی وی به تعاونی، به او یا ورثه‌اش حداکثر ظرف مدت سه ماه پرداخت شود.^۱

بنابراین از آنجاکه ملاک در محاسبه، مقررات اساسنامه و قرارداد منعقد شده است به نمونه اساسنامه شرکت تعاونی عدالت شهرستانی رجوع می‌کنیم که در ماده ۱۷ نمونه اساسنامه مزبور، نحوه محاسبه ارزش سهام عضو را بر اساس ارزش روز سهام تعیین نموده است.

شایان ذکر است که کلیه دیونی که عضو به شرکت تعاونی عدالت شهرستانی دارد ممکن است حال نبوده بلکه مؤجل باشد. در این صورت کسرکردن دیون مؤجل به علت نرسیدن موعد پرداخت، قاعداً ممکن نیست چراکه اجل آن فرا نرسیده است لیکن در مواردی که مقنن صراحتاً به حال شدن دین تصریح نموده یا خود مشروطاً از اجل باقی مانده صرف نظر نماید، حال شدن دین ممکن می‌شود. در خصوص فوت شخص مطابق ماده ۲۳۱ قانون امور حسبی که مقرر می‌دارد: «دیون مؤجل متوفی بعد از فوت، حال می‌شود»، نص قانونی وجود دارد. لیکن مستنبط از ماده ۱۵ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران درباره استعفا، انحلال یا اخراج عضو، چنین برداشت می‌شود که مقنن از عبارت «تبدیل شدن کلیه حقوق و مطالبات به دیون تعاونی و کسر بدهی عضو از آن»، حال شدن دیون مؤجل عضو را مدنظر داشته است.

۱-۶. حق تملک سرمایه شرکت پس از انحلال شرکت و طی تشریفات

با ایجاد شرکت هرچند سرمایه در مالکیت شخصیت حقوقی شرکت است اما این امر مانع از آن نیست که پس از انحلال شرکت و تأدیه کلیه دیون، آنچه از سرمایه شرکت باقی می‌ماند بین دارندگان سهام شرکت توزیع شود. در مقام تشبیه می‌توان گفت سرمایه باقی مانده به منزله ارث شرکت بوده و به نسبت سهام میان اعضای شرکت تعاونی عدالت شهرستانی تقسیم می‌شود.

با عنایت به ماده ۶۲ نمونه اساسنامه شرکت تعاونی عدالت شهرستانی که انحلال شرکت را تابع ضوابط مقرر در قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران

^۱. ماده ۱۵ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران.

دانسته است باید فروض انحلال شرکت تعاونی عدالت شهرستانی را در ماده ۵۴ قانون مزبور بررسی نمود: «شرکت‌ها و اتحادیه‌های تعاونی در موارد ذیل منحل می‌شوند:

- ۱- تصمیم مجمع عمومی فوق‌العاده
- ۲- کاهش تعداد اعضا از حد نصاب مقرر در صورتی که حداکثر ظرف مدت ۳ ماه تعداد اعضا به نصاب مقرر نرسیده باشد.
- ۳- انقضای مدت تعیین‌شده در اساسنامه مربوط در صورتی که در اساسنامه مدت تعیین شده باشد و مجمع عمومی مدت را تمدید نکرده باشد.
- ۴- توقف فعالیت بیش از یک سال بدون عذر موجه.
- ۵- عدم رعایت قوانین و مقررات مربوط پس از ۳ بار اخطار کتبی در سال به‌وسیله وزارت تعاون طبق آیین‌نامه مربوط
- ۶- ورشکستگی طبق قوانین مربوط»

در توضیح بند ۲ ماده مذکور باید گفت که حداقل و حداکثر تعداد عضو در تعاونی‌ها مطابق ماده ۶ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران به نسبت سرمایه، فرصت اشتغال، نوع فعالیت و رعایت اصل عدم تمرکز ثروت توسط آیین‌نامه مصوب وزارت تعاون تعیین می‌شود که به‌رحال تعداد اعضا نباید کمتر از ۷ نفر باشد. با عنایت به ماده ۵ نمونه اساسنامه شرکت تعاونی عدالت شهرستانی، شرکت مزبور به‌صورت نامحدود از تاریخ ثبت تشکیل می‌شود. بنابراین بند ۳ ماده فوق‌الذکر موضوعاً منتفی است.

در خصوص تشریفات لازم جهت انحلال شرکت باید عنوان نمود که بر اساس تبصره ۱ ماده ۵۴ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران پس از اعلام انحلال و ثبت آن در اداره ثبت محل، تصفیه مطابق قانون تجارت صورت می‌گیرد. بدین ترتیب چنانچه مجمع عمومی فوق‌العاده یا وزارت تعاون، رأی به انحلال شرکت تعاونی سهام عدالت بدهند، ظرف یک ماه سه نفر را جهت تصفیه امور تعاونی انتخاب و به اداره ثبت محل معرفی می‌کنند تا بر طبق قانون نسبت به تصفیه شرکت اقدام نمایند.

ماده ۱۷ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران که بیان می‌دارد: «شرکت‌های تعاونی، شرکت‌هایی هستند که تمام یا حداقل ۵۱٪ سرمایه به‌وسیله اعضا در اختیار شرکت تعاونی قرار می‌گیرد و وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، شرکت‌های دولتی و وابسته به دولت و تحت پوشش دولت، بانک‌ها، شهرداری‌ها، شوراهای اسلامی کشوری، بنیاد مستضعفان و سایر نهادهای عمومی می‌توانند جهت اجرای بند ۲ اصل ۴۳ از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر از قبیل مشارکت، مضاربه، مزارعه،

مساقات، اجاره، اجاره به شرط تملیک، بیع شرط، فروش اقساطی، صلح، اقدام به کمک در تأمین و یا افزایش سرمایه شرکت‌های تعاونی نمایند بدون آنکه عضو باشند». مستنبط از این ماده، معلوم می‌شود که بخشی از سرمایه شرکت‌های تعاونی می‌تواند متعلق به اعضای آن نباشد. بنابراین به هنگام انحلال شرکت باید قبل تقسیم سرمایه شرکت میان اعضا، به حکم ماده ۵۶ قانون مذکور به تعهداتی که شرکت در برابر اخذ سرمایه، اموال و امتیازات از منابع عمومی، دولتی، بانک‌ها و شهرداری‌ها نموده است، عمل کند. همچنین کلیه اموالی که از منابع عمومی دولتی در اختیار تعاونی قرار گرفته با انحلال آن باید مسترد شود.

تقسیم مانده سرمایه میان اعضای شرکت تعاونی عدالت شهرستانی، جزئی از وظایف مدیر تصفیه است با این توضیح که شخصیت حقوقی شرکت باقی بوده و دارندگان سهام عدالت ناگزیرند برای اعمال حق خویش در فرض عملکرد نادرست مدیر تصفیه، علیه وی اقامه دعوا نمایند.

۲. تأثیرات قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰) بر حقوق مالی دارندگان سهام عدالت

تصویب قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰)، تغییرات مهمی در حقوق مالی دارندگان سهام عدالت و به‌طور کلی طرح توزیع سهام عدالت ایجاد نمود. این گفتار به جهت اهمیت و جدیدبودن ضوابط قانونی مذکور به بررسی این تحولات اختصاص یافته است.

۲-۱. عدم پرداخت سود تا تأدیه کامل اقساط معوقه

سازمان خصوصی‌سازی مطابق ماده ۶ آیین‌نامه اجرایی توزیع سهام عدالت مصوب ۸۷/۱۱/۲۷ شورای عالی اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، موظف شده بود ثمن حاصل از فروش سهام متعلق به دولت و شرکت‌های دولتی به شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی را از محل سود سالانه تسویه نماید. در ابتدا نیز رویه عملی سازمان خصوصی‌سازی بدین صورت بود که از سود شرکت‌های مورد واگذاری نیمی را بابت بهای سهام مورد واگذاری به حساب خزانه و نیمی دیگر را جهت توزیع میان سهام‌داران هر شرکت سرمایه‌گذاری استانی در نظر گرفته بود. این روال تا حدودی قابل توجیه بود چراکه مطابق تبصره ۲ ماده ۶ آیین‌نامه مذکور مقرر شده بود: «... چنانچه میزان سود دریافتی در هر سال تکافوی میزان اقساط دریافتی همان سال را ننماید، بدهی خریداران سهام از سود دریافتی سنوات بعد قابل تسویه خواهد بود». بنابراین

امکان انتقال بدهی خریداران سهام به سنوات بعدی از این مقرر برداشت می‌شد لیکن پس از مدتی سازمان خصوصی‌سازی بدین نتیجه رسید که امکان پرداخت بهای سهام مورد واگذاری در مهلت قانونی ده‌ساله وجود ندارد.^۱ با این روال میزان اقساط سررسید شده و پرداخت نشده به حساب خزانه به رقم قابل توجهی رسید به طوری که در دومین گزارش کمیسیون ویژه نظارت و پیگیری اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی درباره سهام عدالت به‌عنوان پیشنهاد مقرر شد که دولت نسبت به دریافت مانده سود سهام عدالت از شرکت‌های سرمایه‌پذیر از یک طرف و پرداخت اقساط باقی‌مانده سهام به خزانه دولت از سوی دیگر، اقدام لازم را معمول دارد.

با تصویب تبصره ۱ ماده ۱۰۰ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، پرداخت هرگونه سود سهام تا سقف اقساط سررسید شده، ممنوع اعلام شد. بنابراین کلیه سود شرکت‌های مورد واگذاری تا زمانی که اقساط سررسید شده را پوشش ندهد به شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی پرداخت نشده و بالتبع دارندگان سهام عدالت نیز سودی را دریافت نخواهند نمود تا تمامی اقساط معوق به حساب خزانه پرداخت شود.

۲-۲. کاهش مهلت پرداخت اقساط سهام مورد واگذاری

مطابق تبصره ۳ ماده ۶ آیین‌نامه اجرایی توزیع سهام عدالت مقرر شده بود: «در صورتی که در پایان دوره تقسیط، بهای سهام مورد واگذاری به‌طور کامل تسویه نشده باشد، خریداران مکلف‌اند حداکثر ظرف مدت شش ماه، رأساً نسبت به پرداخت بدهی و تسویه حساب سهام مورد خریداری اقدام کنند. در غیراین صورت، سازمان خصوصی‌سازی به میزان مبلغ بدهی تسویه‌شده، سهام مورد وثیقه را آزاد می‌نماید و نسبت به وصول مطالبات خود از محل فروش سهام باقی‌مانده وفق مقررات اقدام خواهد نمود». بدین ترتیب روال مذکور در پایان مدت ۱۰ ساله اقساط باید اعمال می‌شد؛ حال آنکه با تصویب تبصره ۲ ماده ۱۰۰ قانون پنج‌ساله پنجم توسعه پیش‌بینی شده است: «سازمان خصوصی‌سازی پس از تأیید هیئت واگذاری می‌تواند به میزان اقساط معوق و سررسید شده با رعایت دوره شش‌ماهه پس از مهلت قانونی و اعلام به شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی، سهام وثیقه نزد خود را برای وصول اقساط معوق تملک نماید». بنابراین پس از دوره شش‌ماهه از مهلت قانونی شرکت‌های مورد واگذاری برای پرداخت

^۱. جوابیه سازمان خصوصی‌سازی به روزنامه همشهری، منعکس در گزارش ۱۳۹۰/۲/۱۰ با موضوع سهام عدالت.

سود به شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی با تأیید هیئت واگذاری به میزان اقساط معوق و سررسیدشده، سهام وثیقه نزد سازمان خصوصی‌سازی برای وصول اقساط معوق به تملک دولت درمی‌آید. بنابراین با این مقرر، مهلت ۱۰ ساله برای پرداخت اقساط سهام واگذارشده به مهلت ۶ ماهه پس از مهلت قانونی شرکت‌ها در پرداخت سود^۱، کاهش یافت.

۲-۳. تخفیف در بهای سهام مورد واگذاری

تخفیف به هریک از شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی در بهای سهام مورد واگذاری بالتبع موجبات کاهش اقساط هریک از دارندگان سهام عدالت می‌شود. در ماده ۶ آیین‌نامه اجرایی توزیع سهام عدالت که مقرر می‌دارد: «... سازمان خصوصی‌سازی می‌بایستی در قراردادهای منعقد شده تصریح نماید ثمن معامله از محل سود سالانه شرکت‌های واگذارشده تسویه خواهد شد و متناسب با سود دریافتی یا تخفیفات اعطایی و بلافاصله پس از آن نسبت به تسویه و آزادسازی آن بخش از سهام که بهای آن توسط سازمان مذکور وصول یا مشمول تخفیف می‌شود، اقدام خواهد شد» به‌طور ضمنی امکان اعطای تخفیف به شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی پیش‌بینی شده لیکن میزان اعمال تخفیف و ضوابط آن مشخص نشده بود.

با تصویب ماده ۱۰۰ قانون پنج‌ساله پنجم توسعه پیش‌بینی شد که دستورالعملی مرتبط با تخفیف به تصویب هیئت واگذاری برسد. در ماده مزبور مقرر شده است: «در اجرای ماده ۳۴ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهارم و چهارم قانون اساسی آن دسته از دریافت‌کنندگان سهام عدالت که قبل از پایان دوره تقسیط خود و یا از طریق شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی، مابه‌التفاوت اقساط باقی‌مانده بهای سهام دریافتی خود را پرداخت نمایند، می‌توانند از تخفیف در بهای سهام برای دوره‌های باقی‌مانده برخوردار شوند. دستورالعمل تخفیف و نحوه انتقال سهام با پیشنهاد سازمان خصوصی‌سازی به تصویب هیئت واگذاری می‌رسد».

دستورالعمل تخفیف و نحوه انتقال سهام به دریافت‌کنندگان سهام عدالت در تاریخ ۱۳۹۰/۹/۱۹ به تصویب هیئت واگذاری رسید. مطابق ماده ۴ دستورالعمل، میزان اقساط سالیانه برابر با حاصل تقسیم کل بدهی شرکت سرمایه‌گذاری استانی به سال‌های باقی‌مانده از ابتدای سال ۱۳۹۰ خواهد بود و در صورتی که شرکت مذکور هر مبلغ از اقساط باقی‌مانده خود را قبل از موعد به سازمان خصوصی‌سازی پرداخت و

^۱. ماده ۲۴۰ قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷/۱۲/۲۴.

تسویه نماید، به تناسب مبلغ پرداخت‌شده و مدت زمان تسریع در پرداخت اقساط از دوازده درصد تخفیف سالیانه برخوردار خواهند بود.

بر اساس دستورالعمل مزبور به‌منظور محاسبه مبلغ، مدت اقساط و تخفیفات سهام واگذارشده به شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی، در مورد شرکت‌های سرمایه‌پذیری که انتقال حقوق مالکیت در مصوبات مراجع قانونی تصریح شده است، تاریخ ابلاغ مصوبات و در مورد سایر شرکت‌ها، تاریخ انعقاد قرارداد سازمان خصوصی‌سازی، مبنای احتساب اقساط و سایر حقوق مالکیت در نظر گرفته می‌شود.

در این راستا سازمان خصوصی‌سازی مکلف شده است سالانه اطلاعات مربوط به میزان سود مصوب و دریافت‌شده، میزان و مبالغ تخفیفات اعمال‌شده، اقساط باقی‌مانده آتی و مبالغ اقساط معوق را در مورد هر یک از شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی به این شرکت‌ها اعلام نماید و متناسب با اقساط پرداخت‌شده و با در نظر گرفتن تخفیفات مربوط، ظرف مدت سه ماه نسبت به آماده‌سازی و انتقال سهام اقدام نماید.



نتیجه

حقوق مالی دارندگان سهام عدالت در مقایسه با حقوق غیرمالی آنان همواره بیشتر مورد توجه و نقد بوده است چراکه هدف اصلی از اجرای طرح توزیع سهام عدالت، توانمندسازی اقشار کم‌درآمد مطرح شده بود. هرچند توزیع سهام عدالت را یکی از شیوه‌های خصوصی‌سازی بنگاه‌های دولتی می‌نامند تناسبی با اهداف کلان خصوصی‌سازی نداشته و به سیاست‌های عدالت توزیعی نزدیک‌تر است.

در مختصات این طرح، انتظار دارندگان سهام عدالت، همواره دریافت سود است چراکه عمده‌تأثیر از اقشار آسیب‌پذیر جامعه هستند و دغدغه‌های نسبت به جنبه سرمایه‌ای بودن این اوراق بهادار و مشارکت در بهبود عملکرد شرکت‌ها ندارند. به همین جهت شرکت‌های مورد واگذاری که سهام‌دارانشان شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی هستند همواره مجبور به جلب نظر سهام‌داران خود و تأدیه سود نقدی بوده‌اند. لذا کمتر به طرح‌های توسعه‌ای در شرکت و افزایش کارایی آن نظر دارند و این روال موجب می‌شود در اثر گذر زمان، شرکت مستهلک شده یا به طرح‌های توسعه‌ای نپردازد. این امر همواره از سوی اقتصاددانان به‌عنوان آفت طرح گوشزد شده است.

از سوی دیگر، برخی مجریان با به مقرر مذکور در بند ۱ گزارش نهایی کمیسیون ویژه نظارت و پیگیری اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی مورخ ۸۹/۷/۱۹ متوسل شدند که اعلام می‌کند: «مطابق با مواد ۳۴ تا ۳۸ قانون اصلاح برنامه چهارم و اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، قانون تفسیر نحوه اجرای ماده ۳۵ این قانون و آیین‌نامه اجرایی سهام عدالت مصوب ۱۳۸۸/۱/۲۹ شورای عالی اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، هر چه سریع‌تر مضمولین بندهای (الف) و (ب) ماده ۳۴ به‌عنوان سهام‌داران شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی ساماندهی شوند و با ورود آن‌ها به بورس در قالب شرکت‌های سهامی عام و فعال شدن کانون سهام عدالت، امکان مالکیت کامل و مدیریت مردم در سهام عدالت فراهم گردد». این مجریان به این ترتیب، اقدام به حذف شرکت‌های تعاونی عدالت شهرستانی نمودند به‌گونه‌ای که مردم مستقیماً سهام‌دار شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی باشند. حال آنکه گزارش مذکور به دلایل ذیل نمی‌تواند تغییری در ارکان و فرآیند اجرایی طرح توزیع سهام عدالت ایجاد نماید:

- عنوان گزارش «پیشنهادها و راه‌حل‌های مربوط به سهام عدالت» بوده که حاکی از پیشنهاد بودن بندهای آن است.
- متن بند مذکور به‌صراحت بر رعایت قوانین و مقررات تأکید دارد.

- گزارش، امکان تغییر و نسخ قوانین تصویب شده و مقررات مرتبط با آن را ندارد.

بنابراین هرگونه اقدام در جهت حذف هر یک از ارکان طرح توزیع سهام عدالت، نیاز به تصویب قانون داشته و اقدام خلاف قوانین برای متولیان مسئولیت خواهد داشت. بدین ترتیب عدم رعایت مفاد قانونی به حقوق مکتسبه دارندگان سهام عدالت خدشه وارد می‌کند.

هرچند با تغییراتی که قانون اصل ۴۴ در ارکان و فرآیند اجرایی طرح توزیع سهام عدالت ایجاد نمود، شبهه باقی ماندن دولت بر منصب مدیریت شرکت‌های مورد واگذاری برطرف شد، دولت هم باید پایبند به قانون باشد و موضوع مدیریت تخصصی شرکت‌ها را محملی برای استمرار مدیریت دولتی قرار ندهد

در این طرح، دارندگان سهام عدالت، انتظار به حق در خصوص دریافت سود را در هر سال دارند به گونه‌ای که کاسته شدن از میزان آن در سال‌های مختلف می‌تواند ایشان را از اهداف طرح که توزیع ثروت بین اقشار مختلف مردم عنوان شده، به کلی ناامید سازد. لذا راهکار ذیل، ضمن پاسخ‌گویی به این انتظار دارندگان سهام عدالت، ایراد فقدان مدیریت تخصصی شرکت‌ها و عدم توجه به طرح‌های توسعه‌ای در شرکت‌های مورد واگذاری را نیز پوشش می‌دهد.

راهکار مذکور بر سه مؤلفه استوار است: ۱- شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی ۲- کانون ۳- شرکت‌های هلدینگ.

بدین توضیح که شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی به کانون وکالت دهند که بر اساس آن به نمایندگی از طرف ایشان، اقدام به اجاره سهام به شرکت‌های هلدینگ نماید و طی قرارداد اجاره، مبلغی را به‌عنوان اجاره‌بها با درصدی افزایش در هر سال برای مدت معین - به‌عنوان مثال ده سال - منعقد نماید که کانون از محل اجاره‌بها، بخشی را جهت پرداخت اقساط مربوط به قرارداد واگذاری سهام به سازمان خصوصی‌سازی کسر نموده و باقی‌مانده را به شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی پرداخت نماید.

با این توضیح که مستأجر یعنی شرکت هلدینگ از منفعت سهام اعم از حق رأی و سود آن بهره‌مند شده و در مقابل، اجاره‌بهای معینی را به دارندگان سهام عدالت پرداخت می‌کنند. با این راهکار، حق رأی در موضوعات مختلف از جمله انتخاب مدیریت شرکت‌های مورد واگذاری را به شرکت هلدینگ داده و شرکت مزبور می‌تواند افراد با توان مدیریت بالا، حائز تخصص مرتبط و آشنا به بازار سرمایه را انتخاب نماید.

مزیت دیگر آنکه شرکت مزبور به کارایی شرکت‌های مورد واگذاری نیز توجه داشته و صرفاً به کسب سود سالانه نظر نخواهد داشت بلکه برنامه منسجمی را برای عمران، توسعه شرکت و افزایش کارایی در نظر می‌گیرد. البته در قرارداد اجاره مناسب است مدت به‌صورتی در نظر گرفته شود که امکان اعمال برنامه‌های بلندمدت توسط مستأجر باشد.

این راهکار مزیت دیگری نیز دارد و آن حفظ مالکیت سهام برای شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی و شرکت‌های تعاونی عدالت شهرستانی و بالتبع دارندگان سهام عدالت است به‌گونه‌ای که سهام در مالکیت این افراد به‌عنوان سرمایه بوده و در سال‌های آتی با گسترش فرهنگ سهام‌داری، حضور مستقیم ایشان در بازار سرمایه را شاهد خواهیم بود.



منابع:

الف - فارسی

- آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری؛ سازمان و صلاحیت مراجع کیفری، جلد دوم، چاپ یازدهم، نشر سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۸.
- اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت، شرکت‌های تجاری، جلد دوم، چاپ هشتم، سمت، ۱۳۸۵.
- پاسبان، محمدرضا، حقوق شرکت‌های تجاری، چاپ دوم، سمت، ۱۳۸۶.
- تفرشی، عیسی، مباحثی تحلیلی از حقوق شرکت‌های تجاری، جلد اول، نشر دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۷.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ پنجم، گنج دانش، ۱۳۷۰.
- حسنی، حسن، حقوق تعاونی‌ها، سمت، ۱۳۸۱.
- حقیقی، ایمان، «تجزیه و تحلیل طرح واگذاری سهام عدالت»، مجله راهبرد یاس، شماره ششم، ۱۳۸۵.
- خزاعی، حسین، حقوق تجارت؛ شرکت‌های تجاری، جلد دوم، نشر قانون، ۱۳۸۵.
- ستوده تهرانی، حسن، حقوق تجارت، جلد سوم، چاپ سوم، دادگستر، ۱۳۷۸.
- شفیعی، اکرم‌السادات، شرایط و آثار نقل و انتقال سهام در شرکت‌های سهامی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۶.
- شهری، غلامرضا و سروش ستوده جهرمی، نظرهای مشورتی اداره حقوقی دادگستری جمهوری اسلامی ایران در مسائل کیفری از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۳، جلد دوم، نشر روزنامه رسمی، ۱۳۷۵.
- صقری، منصور، تعریف شرکت تجاری، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۱.
- عطایی، امید، «بررسی مبانی قانونی واگذاری سهام عدالت»، گزارش دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۸.
- فلاح تفتی، زینب، اداره سهام عدالت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۹.

-
- کابلی‌زاده، احمد، **خصوصی‌سازی مردمی؛ کارایی همراه با عدالت**، نشر مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۴.
 - کاویانی، کورش، **حقوق شرکت‌های تجارتي**، میزان، ۱۳۸۶.
 - کوزه‌چی، هادی و محمد امین زرگرزاده، **پیشنهادهایی برای بهبود ساختار طرح سهام عدالت**، مجله سیاسی اقتصادی، شماره ۲۴-۲۴۴، ۱۳۸۶.

ب - انگلیسی

- Wolfgang Aussenegg, **Going Public in Poland: Case - by -Case Privatizations, Mass Privatization and Private Sector Initial Public Offerings**, Vienna University of Technology, Final First Draft, December ۱۹۹۹.

- David Ellerman, **Voucher Privatization with Investment Funds: An Institutional Analysis**, World Bank, May ۱۹۲۴.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Comparative Study of Reformation Strategies Outside of Iranian and Canadian Criminal Environments

Shahram Ebrahimi

Abdollah Ezadi

Reformation strategies might be categorized into three levels in terms of the stage of its performance topic. In the stage of outside of criminal environment, the three strategies of supporting the set free prisoner, developing the community-oriented punishments and oversight and controlling and practicing function. The existing examples in Canada indicate the local, intellectual, and religious-oriented nature of support strategy; the rule-oriented nature of the development of community-oriented punishments strategy; and the comprehensive and purposeful nature of oversight control and practice strategy. In other words, the existence of a strategic discipline is apparent in this system. As for that of Iran, though the strategy of developing community-oriented punishments has currently been advocated, the necessary conditions to practice them are not available and therefore, its failure is not a surprise. Besides, the strategy of support has not welcome in practice. Regarding the oversight, control, and practice strategy, notwithstanding various organizations, effective and purposeful elements have been ignored by law makers. In general, with regard to evaluating the Iranian reformation strategies, strategic pretence is its salient feature.

Keywords:

Strategy; Reformation, Support, Community-Oriented Punishments, Oversight.

Parallel Proceedings in Foreign Investment Disputes and Preventing them

Shahab Jafari nadoshan

Abstract:

Parallel Proceedings, which can be described in short as commencing arbitration and/or litigation regarding related disputes in different dispute settlement forums or mechanisms, most of the time in investment disputes, are caused by the myriads of dispute settlement forums and procedures stipulated in investment contracts and investment treaties. In spite of the corrosive consequences of the Parallel Proceedings, battling the deleterious effects of it, is not fully developed and yet needs complete attention of the disputing parties to the contractual methods, especially prior to the stage of arising an actual dispute. Arbitral tribunals have developed some principles and mechanisms to battle Parallel Proceedings, most of which require parties' consideration or initiative to be fully functional. Battling parallel proceedings throughout the period of enforcement of the award involves so many difficulties which in turn show the significance of confronting it prior to the stage of the enforcement of the award.

Keywords:

Parallel Proceedings, Investment Disputes, Forum Shopping, Arbitration, Jurisdiction.

**Legal Nature of Transferring Debts within Merging
Public Companies and its impacts on Non-shareholder
Creditors and Debtors**

**Mahdi Rashvand Bokani
Mohsen Rejali
Amin Badee Sanaye Esfahani**

Abstract:

One of the most noteworthy subjects in the area of merging companies is determination of its effects and consequences on the market, shareholders, non-shareholder creditors and debtors and even consumers. Public companies, however, take precedence over these subjects. Merger is (a course of action by which several companies establish a new single legal entity or are merged within another existing legal entity, as well as eliminating their own legal entity) and as a result, all the assets, claims, debts and obligations of the merged company are transferred to the merging company. Inclination toward merger is considerably high among public companies due to its various advantages. In this paper, we have addressed nature-discernment of debts transfer from a merged company to the merging company and therefore with analyzing and comparing the theories regarding debt transfer, credit transfer, obligation alteration and succession, we have examined merger effects of companies on the rights and obligations of non-shareholder creditors and debtors and have also bolstered the well-known opinion. Needless to say, selection of any opinions mentioned above, would have different legal impacts on those people and consequently companies' shareholders, being parties in the merger contract.

Keywords:

Merger, Public companies, Debt transfer, Credit transfer, Obligation alteration, Succession.

**The Criterion Of Separation Between " Non-Mentioned
Hodood" and "Definite Tazir" in the Islamic Penal Code
of ۲۰۱۳**

**Hamed Rahmaniyan
Mohammd jafar Habibzadeh**

Abstract

The phrase "Hodood that are not mentioned in this code" in Article ۲۲۰ of Islamic Penal Code of ۲۰۱۳ and "Shar'i definite Tazir" in Article ۱۱۰ of this code are ambiguous from Figh and legal viewpoint, then we have to resort to interpretation for recognizing their instances, In this regard, three interpretations are possible, First, restricting "Hodood" to six famous types and allocating definite Ta'zir to punishments with definitive cause, kind and amount, Second, allocating Hodood to punishments with definite kind and amount and cause and allocating definite Ta'zir to punishments with definite cause and indefinite kind and amount, Third, allocating Hodood to punishments with definite cause and kind and amount of certain definite punishment and allocating definite Ta'zir to certain indefinite cause and kind and amount, In this article we consider different views and finally choose third interpretation as a non-instrumentalist one that has the highest moral acceptance, This accepted interpretation is consistent with rule of law and other certain legal principles,

Key Words:

Rule of law, Interpretation of law, Hadd, Ta'zir, Islamic Penal Code of ۲۰۱۳.

The Impact of Victim's Predisposition on Civil Liability of Tortfeasor

Abbas Mirshekari
Nafise Shooshinasab

Abstract

In this research we have tried to investigate if the victim's predisposition would influence civil liability of tortfeasor. In exact words "Predisposition" means the unusual physical situation of the victim before damages are incurred to him. Sometimes the tortfeasor intensify victim's unusual situation and sometimes he changes the nature of his disability. We reached to a conclusion according to which, except causing perfect blindness which is effective in intensifying tortfeasor's liability, in other situations, predisposition is effective in reducing tortfeasor's liability. As a result, we should suffice to strict interpretation in the case of blindness.

Keywords:

Blood Money, Civil Liability, Islamic Penal Law, Predisposition, Victim

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Comparative Study of Reformation Strategies Outside of Iranian and Canadian Criminal Environments

Shahram Ebrahimi
Abdollah Ezadi

Abstract

Reformation strategies might be categorized into three levels in terms of the stage of its performance topic. In the stage of outside of criminal environment, the three strategies of supporting the set free prisoner, developing the community-oriented punishments and oversight and controlling and practicing function. The existing examples in Canada indicate the local, intellectual, and religious-oriented nature of support strategy; the rule-oriented nature of the development of community-oriented punishments strategy; and the comprehensive and purposeful nature of oversight control and practice strategy. In other words, the existence of a strategic discipline is apparent in this system. As for that of Iran, though the strategy of developing community-oriented punishments has currently been advocated, the necessary conditions to practice them are not available and therefore, its failure is not a surprise. Besides, the strategy of support has not welcome in practice. Regarding the oversight, control, and practice strategy, notwithstanding various organizations, effective and purposeful elements have been ignored by law makers. In general, with regard to evaluating the Iranian reformation strategies, strategic pretence is its salient feature.

Keywords:

Strategy; Reformation, Support, Community-Oriented Punishments, Oversight.

Contents

- ◆ **Comparative Study of Reformation Strategies Outside of Iranian and Canadian Criminal Environments** a
Shahram Ebrahimi / Abdollah Ezadi
- ◆ **Parallel Proceedings in Foreign Investment Disputes and Preventing them** b
Shahab Jafari nadoshan
- ◆ **Legal Nature of Transferring Debts within Merging Public Companies and its impacts on Non-shareholder Creditors and Debtors** c
Mahdi Rashvand Bokani / Mohsen Rejali / Amin Badee Sanaye Esfahani
- ◆ **The Criterion Of Separation Between " Non-Mentioned Hodood" and "Definite Tazir" in the Islamic Penal Code of ۲۰۱۳** d
Hamed Rahmaniyan / Mohammad jafar Habibzadeh
- ◆ **The Impact of Victim's Predisposition on Civil Liability of Tortfeasor** e
Abbas Mirshekari / Nafise Shooshinasab
- ◆ **Comparative Study of Reformation Strategies Outside of Iranian and Canadian Criminal Environments** f
Shahram Ebrahimi / Abdollah Ezadi



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

The Judiciary's
**Law
Journal**

The ۷۷th year of publication/ no. ۸۴/ ۲۰۱۳ winter

Scientific – research quarterly

Concessionary: The Judiciary

Director-in – charge : Alireza Amini

Editor-in-Chief : Hossein Mir Mohammad Sadeghi

Executive Director: Mehdi Sabouri Pour

Circulation :

Price :

Fax : ۰۲۱-۲۲۰۹۱۸۶۹

Web Site : www.jlj.ir

E-mail : majaleh_hoghooghi@jpri.ir

The Editorial Board (in alphabetical order):

Nejad Ali Almasi / Mohammad Ali Ardabili / Mohammad

Ashouri / Rabiaa Eskini / Jafar Kousha / Ali Hossein Najafi

Abrand Abadi / Siamak Rahpeyk
